

# جانبداران پروش و تربیت جدید

از دکتر آندره برژ استاد کرسی روانشناسی و روانپزشکی در المدی  
پروش و تربیت خانوادگی دانشگاه پاریس و رئیس فدواسیون

ترجمه دکتر آصفه آصفی استادیار دانشگاه تربیت معلم

## فصل هفتم

یکی از اتهامات اصلی و اساسی که بر علیه «پروش و تربیت جدید» وارد میکنند این است که به ارزش های سعی و کوشش اهمیت نمیدهد. تا چه حد پیشرفت و چگونه تصویری؟ آیا پروش و تربیت جدید سستاه، تعلیم کودک را به بازی می گیرد؟

پروش و بازیچه؟ مگر میشود انسان های جدی را هجو کرد؟ همه این پیش داروها و عدم تفاهم ها را میتوان در آخرین مجموعه انتشاراتی لغت نامه بزرگ «La Dernière

Edition d' Une grande Dictionnaire»

زیسر عنوان منتسوری «Montessori» خوانند، معلوم نیست این تذکره تعجب آمیز از طرف چه کسانی مطرح گردیده است. چون روش «Montessori» مکمل روش Froebel است..

«Froebel» که مخصوصاً متوجه کودکان تازه سال بود، جای قابل ملاحظه‌ای برای تخیل کودک در کودکانگستانها منظور کرده، و خانم مونتسوری «Mme Montessor» این فکر را زنده کرد، به این ترتیب که بگذارید حس ذاتی کودکان بیدار شود، تا بتوانند از خوب کار کردن و ذوقی که مشخص کننده کارهای مورد میلشان میباشد احساس غرور کنند. و این غرور را نشان دهند. آیا نمیتوان از خود پرسید: با این رویه قدرت تخیل کودک بهتر بکار گرفته میشود یا خیر؟ آیا او نمیتواند با این روش کارهایش را بهتر معرفی نماید؟ چه بعضی از سازمانهایی که تا حدی در مورد این روش جانب حق و حقیقت را رعایت میکنند، مخصوصاً در مورد تخیل کودکان، «که در حکایات و نقاشی‌های آزاد مدارس «Freinet» و چند مدرسه دیگر دیده میشود»

توانسته‌اند نتیجه کار مدرسه‌ای را در مجموعه روشهای تازه، مشخص‌تر و شکوفاتر سازند. در مدارس دیگر هرچه که باشد، فعالیت‌ها عیناً برابر با حرفه و میل بزرگسالانی که میخواهند شغلشان را انجام دهند عمل میشود، و بسیاری از شاگردان مجبورند آن کارها و تکالیف را علیرغم میل خود، و به اجبار، و نه از روی میل و خواست فردی انجام دهند. منظور پرورش و تربیت جدید این نیست که آموزش و پرورش را بازیچه سازد بلکه کوشش میکند تا بتواند، آنها برای شاگردان جاذب و قابل درک و فهم نموده، و برابر با میلشان ارائه نماید.

اگر بخواهند، «سعی و کوشش» را مانند فشار «عزم و اراده» برای انجام کارهای مشکل تعریف کنند. آنوقت بدون هیچ زحمتی تفهیم میشود، که این «سعی و کوشش»، کودکان و نوجوانان را دچار عقده‌ها و



ناهماهنگی‌ها میسازد. چون نوجوان قبل از سن بلوغ در چنگال دو اراده اسیر میگردد: اراده شخص خودش، و اراده اشخاصی که عادتاً بعنوان مسئول، رفتار و حرکاتش را زیر نظر دارند.

در این شرایط، شاید کودک و نوجوان تظاهر به قبول و انجام کوشش‌های نمره ۲ که به او تحمیل میشود بکند، ولی عملاً و در حقیقت اراده شخص خودش یعنی نمره ۱ را به انجام خواهد رسانید، و آنوقت است که سعی میکند «سعی و کوشش» خود را برای آنچه که میخواهد، و هر اندازه که قادر باشد، دور از انظار انجام دهد. مسلم است که برای حفظ و نگهداشت قدرت و میل شخصی مقاومت کردن چندان آسان نیست. از سوی دیگر اگر پرورش و تربیت بسوی کشمکش‌ها و برخورد‌ها معطوف شود، گاهی به عدم تحرک و بی تفاوتی تغییر چهره میدهد، که به توهمی اشتباه‌آمیز یعنی «برچه پیش آید خوش‌آید» منتهی میگردد. ولی این تظاهر به عدم تحرک، واقعی نیست و «قدرت عدل تحرک» نزد کودکان بصورت اطاعت محض در مقابل فشارهایی که از خارج بر آنان وارد میشود جلوه مینماید، و چون زندگی بخودی خود عدم تحرک را رد میکند، پس کودک بوسیله عدم جنب و جوش از اطاعت قوانینی که مورد قبولش میباشد، سر باز میزند.

عقاید گسترده‌ای که ذوق و جدیت را ضمن طبیعت بشر ندانسته، و هنوز جوانان را کمتر بان علاتمند میدانند، با هیچ حقیقت و واقعیت زمینی مطابقت ندارد. برعکس هرچه موجودی جوانتر است، بیشتر در جستجوی مقابله با موانع و مشکلات میباشد. و هرچه به‌سالهای رشد و نمو نزدیک‌تر میگردد، بطور مشخص جنب‌وجوش و تحرکش بعد اعلا

میرسد، و میخواهد قوایش را بفعالیت وادارد، توانائی‌هایش را بسنجد، و هرچه بیشتر از ابتکاراتش لذت ببرد.

بطور مشخص همین لذت بردن است که بدلائل زیر شکل می‌آفریند: از یکسو درست است که موجود مساعی لازم را بعمل می‌آورد ولی نتیجه مطلوب آن مسلم نیست، حداقل در «لحظه» که ما بعداً به این موضوع برمیگردیم. و از سوی دیگر بزرگسالان عادت کرده‌اند، تا مفهوم زحمت کشیدن «و لیاقت» را به مفهوم «سعی و کوشش» مربوط ساخته و در آن واحد مفهوم واقعی هر کدام را از یکدیگر جدا نمایند. سخنان تعجب‌آور پدری که از تنبلی پسرش شکایت می‌کند، در حالیکه دفتر کارنامه‌اش شاهد موفقیت‌های او میباشد، روشنگر این مطلب است. او میگوید: «من آرزو میکردم فرزندم شاگرد آخر بود ولی کار میکرد» ناسامانی این نظریه نمایانگر روحیه اوست، که در بسیاری از حالات دیگر هم بطور ضمنی وجود دارد. او و همفکرانش، که تعدادشان هم کم نیست، بدلیل سادیسمی که دارند، میخواهند رنجی صددرد را بیکان را به فرزندانشان عرضه نموده و آنان هم باورشان کنند و هم قبولشان داشته باشند. نتیجه حاصله: در کودک و نوجوان، یا بصورت طفیان‌های مخفی و آشکار، و یا به کناره‌گیری و عدم تحرکی هولناک و خودآزاری، منجر خواهد گردید.

بدون شک بزرگسالان به این تغییرات متوجه میشوند، چون کاهش پیشرفت و عدم شادابی و سرخوشی کودکان، برابر با سن آنها، هر لحظه مشهودتر، و عدم توجه و بی تفاوتی آنها از لذت بردن از کوششی که برای انجام وظائف روزمره انجام میدهند چشمگیرتر، و بالاخره هدر رفتن نیروهای ارزشمندشان که در اثر منع آزادی هر دم تزیاید مییابد، بیشتر

میشود. پدری که برای فرزندش هیچگونه کار مثبتی انجام نداده چنین میگفت: «فایده ندارد، چکارکنم که پسرم به تحصیل علاقمند شود، مگر نه اینکه برای هر کاری باید سعی و کوشش کرد؟ خوب سعی و کوشش هم او را ناراحت میکند» یکی دیگر برای بچه هایش سخنرانی میکرد، به این صورت: «بچه های من، شما مجبور خواهید شد کار کنید، من خوب د میدانم که کار کردن کسل کننده ترین چیزها است در دنیا، ولی باید کار کرد.» و بعداً هم متعجب میشد از اینکه فعالیت و پشتکار فرزندانش در کارهای مدرسه ای کم است.

باتوجه به طرز تفکری تا این اندازه ضعیف گاهی «لیاقت» نقش حامی را بازی میکند. ولی این حامی هیچگونه ارزشی ندارد، چون جوان از نظر خودش به این ضد و نقیض - هائیکه از یک قدرت خارجی «سربی» یعنی شخصی که خودش از خودش مشکوک است، و از قصد و سرام سخنرانی میکند، روبرو میشود. اول بکه میخورد، ولی کم کم به آن عادت میکنند، و در نتیجه مفهوم «لیاقت» را بعنوان رنج کشیدن بدون دلیل تحمل مینمایند و چه بسا اتفاق سی افتد که با فشارهای ناشناسی که از واقعیت های خارجی بر او وارد میشود،





قدرت درك و فهمش نسبت به مسائل لغتر و كمتري ميگردد. پس نتيجه مخالف و ضد و نقيضي كه «لياقت» بهمهرا ميآورد و مانع از پيشرفت افكار و عقايد ميشود موقعيت «سعي و كوشش» را هم بمخاطره مي اندازد.

«پرورش و تربيت جديد» كوشش ميكند كه اين «لياقت» و در نتيجه «سعي و كوشش» ملال انگيز و بي فايده را هر چه بيشتر آسان و جذاب نمايد، و اين بالاترين كوششي است كه بدون تظاهر براي جلب شاگرد مينمايد، بصورتيكه كار و برنامه اي كه بايد انجام دهد در عين حال كه مفيد و سرگرم كننده تنظيم شده است، شادي آور نيز باشد.

«پرورش و تربيت جديد» پيوسته در جستجوي يافتن راه هائي است، تا با صبر نه جوئي از صرف نيرو، نتايج بهتر و شايسته تري از كوشش ها و مساعي مصرفي بدست آورد. با اين رويه: كه حركت هاي لازم و ضروري بصورت خود كار انجام شود، تا قواي ابداع كننده و نوآوريها متمرکز گردد. به اين صورت «سعي و كوشش» حياتي دوباره بدست مي آورد و از تازگي و شادابي واقعي برخوردار ميشود.

اگر سربيان «پدر و مادر يا سربي» يك چنين حالت و روشي را قبول كردند، نه تنها نمونه اي از سستي و تنبلي نيستند، بلكه مظهر پيروزي و غلبه بر شكل نامناسب، طرزديد و قبول رفتار گذشته ميگردند: روشي كه نگرانيها و گرفتاريها را زير پا ميگذارد، و به ناچيز كردن و از بين بردن مشكلات دردناك آزمونهاي گذشته دست مي يابند. چون «پرورش و تربيت جديد» بمعني تغيير شكل دادن و باصطلاح آرايش كردن مساعي و كوششها نيست، و نميتواند كاري شبیه كپسولهاي مسكن انجام دهد. بلكه عبارت از اين است كه وسائل و برانگيزد، تا بتواند تمام امكانات شادي آفرين،

را براي پرورائيدن كودك يا نوجوان در دسترس آموزشي و پرورشي قرار دهد، تا سربيان بتوانند انسانهائي محكم و مستقل بار آورند.

«پرورش و تربيت جديد» سعي ميكند، كار و كوشش از نفوذ غير قابل اجتناب و تحمل رسوب هائيكه هم از اهميت قابل ملاحظه اي برخوردارند، و هم تا سپاس و انكار ناپذيرند جدا شده، شادي زا گردد و با برانگيزاندن رضامندي هائي هم زمان به انتظار شادمانی هاي کوتاه و لحظه اي كه در پايان و نتيجه سعي و كوشش هاي ممتد عايد كودك و نوجوان ميگردد خاتمه داده و آنان را تشويق



ارتباط زیاد و بستگی نزدیک دارند، و جلب رضای خاطرش برای فعالیت و بکارگرفتن او استفاده شود؟ برای اینکار، وسایل بسیار سهل و ساده‌ای در دسترس مربی قرار گرفته است، که اگر مربی بمعنی واقعی قدرت عمل نداشته باشد، همین سهولت و سادگی وسایل خطرناک میشود. چون اقدام غیرمتعادل و یا تغییر و تحریفاتی برای استفاده اختصاصی، «به این معنی که مثلا بجای همه نتایجی که باید از کوشش و سعی کودک و یا نوجوان در نظر گرفته شده فقط و فقط به لذت و خوشی توجه گردد» خودبخود موجب رنج و حرمان خواهد گردید.

نماید. چون هر اندازه که نتایج کارها دورتر بدست آید، تجسم آنها برای ذهن کودک و نوجوان مشکل تر خواهد گردید. مثلا برای برانگیزانیدن کودکی زیر دهسال، به سعی و کوشش پر تحرک، نمیتوان از راه نطق ها و خطابه های غرا به این صورت « برای اینکه بتوانی در آینده موفقیت خوبی بدست بیاوری و با زن و فرزندان در کامیابی و رفاه زندگی کنی باید کار کنی» به نتیجه رسید. طبیعی است که مبالغه هائی برای ایجاد امید در این قبیل گفتارها وجود دارد، ولی آنچه که مهم است قدرت مربی میباشد، در جلب و جذب شاگرد و بکار واداشتن او. بهتر نیست اگر از «سن» کودک و حس خودخواهی او، که باهم